

او لطف دارند دنبال کنند و بدانند که در زندگی شخصی اش چه می کند، باعث میشود توقعاتی هم از او داشته باشند که برآورده کردن همیشگی آن توقعات در توان آن فرد نیست و باعث میشود مورد اتهام و خشم دیگران قرار بگیرد.

لباس های متفاوتی برای کار کتر های نمایش طراحی شده، این خاص خودتان بود؟

خانم آذر نجیبی طراح لباس این نمایش هستند. من در گذشته در نمایشی به نام پرواز در تاریکی با ایشان همکاری داشتم و همینطور در سریال شبکه مخفی زنان و کارشان را بسیار می پسندم برای همین از ایشان خواهش کردم که در این کار در کنار ما باشند و لطف کردند با توجه به اینکه سر سریال نون خ هم هستند برای این کار وقت گذاشتند. ما می خواستیم لباس های این کار متفاوت باشد خب ما باز یگر های زن قبل از هر مراسم جایزه و با تقدیری تعداد زیادی لباس انتخاب می کنیم و در آخر روی هر کدام ابراد می گذاریم. خانم نجیبی فکر می کردند که رنگ آبی و بنفش به من می آید و از تلفیق این دو رنگ که معمولاً خیلی با هم استفاده نمی شوند برای طراحی لباس در بخش اول نمایش استفاده کردند تا لباسی خاص مناسب شرکت در چنین مراسمی باشد و لباسی که در واقع گذر برهه ای ۱۰ ساله را نشان می دهد هم باید لباسی می بود که نسبت به زمان خودش لباس پیشرو تری باشد و با آن فضا تفاوت هایی داشته باشد. برای لباس های آقای میرزاد هم چون کاراکتر از فضای عارفانه ای می آید لباس های نخی و خنکی در نظر گرفته شد در واقع لباس هایی که علاقه مندان به یوگا و سماع بیشتر با آن آشنایی دارند.

در این فرصت دوست دارم در مورد بازگشت خانم مارال فرجاد خواهرتان به تئاتر از شما بپرسم.

در نمایش اولی که توسط شروع نظارت رد شد نقشی وجود داشت که برای مارال در نظر گرفته بودم و با توجه به شرایطی که ایشان داشت آن نقش بسیار مناسب بود و نیاز نبود حتما در سر تمرین ها حضور داشته باشند و می شد جملات و میزانشن ها را آنلاین با هم تمرین کنیم چون بده بستانی به بازیگران دیگر نداشت و پس دو سه سالی که به خاطر بیماری از صحنه دور بودند بازگشتی برای ایشان می بود. ولی متأسفانه متن رد شد و در این نمایشنامه شرطی نبود که از ایشان استفاده کنیم. متأسفانه من این شانس را نداشتم که مارال در کارم بازی کند.

این روزها این توقع وجود دارد که تئاتر از تریبون خود بیشتر برای مطرح کردن دغدغه های مردم استفاده کند حال آنکه بخش هنری و زیبایی شناسانه تئاتر نباید صرفاً به این موضوعات محدود باشد. در این مورد چه می اندیشید؟

این به همان توقعی که این روزها از عالم هنر انتظار می رود برمی گردد که البته که توقع بیجایی هم نیست. چرا که بخشی از کار و رسالت هنر این است تا علاوه بر آنکه به بعد هنری و زیبایی شناسانه یک مسئله می پردازد به دغدغه های جهان اطرافش نیز بپردازد. به نظرم هنرمند کسی است که مسائل اجتماعی و آنچه که در جامعه و جهان رخ می دهد را گاهی پیش بینی می کند. یعنی گاهی اوقات هنرمندان روشنفکر ما چیزی را

جلوتر از جامعه و مسئولان می بینند و اثر هنری حاصل از آن می تواند هشدار دهنده باشد که انسان ها، مسئولین، مردم بدانند که این خطر در کمین جامعه انسانی و جهان ماست و اگر امروز به داد این موضوع نرسیم فردا روز باید این ماجرا را تجربه کنیم. البته به شرطی که یک گوش شنوایی برای این موضوع وجود داشته باشد. امروز روز به خاطر اتفاقات و مسائلی که در جهان ما رخ می دهد و همینطور پیشرفت رسانه ها و فضای مجازی این توقع از هنرمند و هنر هست. به نظرم اشکالی هم ندارد به خصوص اگر اجازه بدهند که کسی که این دیدگاه را دارد و دوست دارد دغدغه های اجتماعی و فردی خودش و آنچه که در زندگی و جامعه تجربه می کند را نمایش دهد بدون سانسور کارش را انجام دهد. سانسور انسان ها را سرخورده می کند و انگیزه های فرد را برای انجام دادن و حرف زدن کم میکند. چرا که هر چه می خواهی بگویی و هر کاری که می خواهی بکنی به کسی بر می خورد و فرد با خودش فکر می کند که اصلاً ارزشش را ندارد و قیدش را می زند. من امیدوارم فضا به شکلی باشد که انسان ها بتوانند حرف هایشان را بزنند، گاهی اوقات این حرف ها خوب است و گفتنش باعث می شود که روشننگری اتفاق بیفتد چرا که کسی که کار هنری می کند از دل جامعه می آید و مسائل جامعه را می بیند و تجربه می کند و حال این می شود تریبونی برای آنکه این حرف ها گفته شود. به نظرم هم هنر برای هنر که بیشتر دغدغه های کار آرتیستیک و هنری را دارد خوب است و هم اگر بخواهد دغدغه مند باشد و مسائل اجتماعی را بازگو کند خوب است. اما آنچه که بد است این است که ما هی انگشت اتهام به سوی عده ای بگیریم و بگوییم خوب که چی این کار را روی صحنه برده ای! این همه مسئله در جامعه بوده چرا به این مسئله پرداخته ای! خب من فکر می کنم این غلط است چون شخص قدرت انتخاب دارد و در این برهه نیاز احساس کرده که به این موضوع بپردازد حال این انتخاب به هر علتی می تواند باشد. در آخر فکر می کنم انجام دادن کار هنری بهتر از انجام ندادنش است.

مسعود میرزاد:

نبود نقد کارشناسانه مشهود است

از تجربه کار کردن با مونا فرجاد بگوئید.

ایشان سال هاست که تجربه تئاتری دارند و این مسئله کار مرا سخت و از طرفی خیالم را راحت می کرد. سخت از این جهت که باید رضایت ایشان را با نحوه بازی خودم جلب می کردم و راحت از این جهت که ایشان به امور مسلط و در عین حال انسان بسیار تیز و ریز بینی هستند. ایشان در فرایند تولید نمایش تحت فشار بودند و هنوز هم هستند چرا که در یک زمان فشرده مسئولیت های زیادی داشتند و هر چقدر ما می خواستیم از جهاتی به ایشان کمک کنیم به قولی چون چند موتور کار می کردند نیازی به این کمک نداشتند. در هر صورت این آشنایی برایم بسیار دوست داشتنی بود و از آن بالاتر کار کردن با ایشان بود که باعث شد من بسیار بیاموزم هم از نوع هدایت بازیگر و ارتباط با عوامل به خصوص بازیگران و هم اینکه کار به مرور بخته تر می شد حتی شب های اجرا چیزهایی که به نظرشان می رسید که باید در راستای بهتر شدن کار تغییر کند و اعمال میکنند ما هم حتماً می پذیریم چرا که واقعا اتفاق ویژه ای است.

چه چالشی با نقشتان داشتید؟

فکر می کنم وقتی که نقش به کاراکتر خود بازیگر نزدیک است چالش چندانی ندارد ولی وقتی از شخصیت خود بازیگر دور باشد جذابیت بیشتری دارد و چالش برانگیز است. این نقش در یک سری ویژگی های رفتاری با من متفاوت است و من تلاش کردم تا آنچه که نوشته شده و مشخص است را بتوانم اجرا کنم و امیدوارم که موفق بوده باشم. هر چند که شخصیت سورن در بحث شغلی هم گرایشات هنری دارد و از این نظر مسلماً به کاراکتر خود من نزدیک است اما از لحاظ اخلاقیات متفاوت هستیم و از این نظر چالش هایی داشت که دوست داشتنی بودند. چرا که بازیگر باید روی این تفاوتها کار کند و به یک سیر و سلوکی برسد تا بتواند آنچه را که تجربه نکرده یا صرفاً به آن فکر کرده روی صحنه ببرد. همه ما در زندگی شخصی تمام خلق و خواها را حتی شاید بدترین چیزها مانند کشتن یک انسان دیگر را

از گوشه ذهنمان گذرانده ایم و به قول یکی از اساتید شاید به نوعی آن را انجام داده ایم و فقط کافیست که مانند گوشه هوشمند صرفاً روی آن مسئله زوم کنیم تا بتوانیم آن را بهتر در ذهن پیروانیم.

این نمایش به نظر من از یک فضای شیک بر خور دار است چنین باز خوردی از مخاطبان داشته اید؟

فکر می کنم برگردان های آثار خارجی مقداری اجرا را دچار این اتفاق می کنند. البته ما تمام تلاشمان را برای ایرانیزه کردن در بازی انجام می دهیم. شما می توانید فارسی حرف بزنید ولی خارجی بازی کنید در عین حال بر عکس، به خصوص نقش من فرد شیک تری است نقش دایانا که خانم فرجاد ایفا میکنند زنی سرخورده است و شوهر هم بر اساس یک سری از اتفاقات، ناکامی هایی در زندگی اش و تعاملات زناشویی با اینجا رسیده، کاراکتر مرد دوست دارد خوش لباس باشد، دیسپلین خاصی داشته باشد و مدل خاصی صحبت کند، ولی زن به یک استیصال رسیده است. بله به نظر من این اتفاق شیک بودن در نمایش ما وجود دارد و این امری خود خواسته و با جهت دهی خانم فرجاد بوده است.

به نظر من این مسئله شیک بودن به اثر کمک کرده بود ما همیشه زندگی کاراکتر های این نمایش را با یک فیلتری می بینیم و اینجا هم دوباره با یک فیلتر تئاتری، به نوعی انگار دو فیلتر روی اثر وجود دارد.

به نظرم کسانی که زیست هنری دارند به خصوص در عرصه درام کار می کنند دچار این اتفاق خواهند شد. نمی خواهم از کلمه نقاب استفاده کنم ولی خواه ناخواه در ورطه ای می افتیم که شاید شما آن را با کلمه شیک بیان میکنید اما من می گویم متفاوت و این دو کاراکتر هم از قاعده این زیست متفاوت مستثنا نیستند.

باز خورد مخاطبان را چگونه دیدید؟

باز خورد های بسیار متفاوتی داشتیم که فکر می کنم به سلیقه بر می گردد. به هر حال هر مخاطبی ممکن است ژانر خاصی را دوست داشته باشد و دیگری را دوست نداشته باشد یا کسی مانند خود من باشد و تنوع ژانری را دوست داشته باشد. من حتی در مورد موسیقی هم همینطور هستم و تقریباً تمام سبک های موسیقی را گوش می دهم. شاید یکی دو سبک را بیشتر دوست داشته باشم اما آن سبک هایی که کمتر دوست دارم یا اصلاً دوست ندارم را نمی گویم. ولی متأسفانه یا خوشبختانه برخی مخاطبانمان با مسئله ای مواجه شده اند که تئاتر اصیل و کلاسیک برایشان در اولویت نیست و این به تفاوت دیدگاه و سلیقه بر می گردد. مسلماً هیچ کاری بی ایراد نیست و کار ما هم از این قاعده مستثنا نیست. اما نقاط قوتمان حتی اگر نخواهم خودخواهانه صحبت کنم خیلی خیلی زیاد است. نقدهایی که تاکنون دریافت کرده ام بیشتر از تفاوت سلیقه و نگرش می آید و نقد کارشناسانه متأسفانه نخواهد بود که اگر باشد و یک نفر کارشناسان بیاید و ضعف های نمایشمان را بگوید ما استقبال خواهیم کرد. من به شخصه از کسی که کارشناسانه نقد و تحلیل می کند یاد می گیرم.

نبود نقد تخصصی را در فضای تئاتر حس می کنید؟

خیلی زیاد. در گذشته نقدهای نوشته می شد که کارشناسانه تر بود البته که سایت محترم تیوال همین بخش را قرار داده ولی در حال حاضر خلاء نقد کارشناسانه حس می شود. در گذشته بسیاری از بزرگان نقدهای خواندنی می نوشتند و من یکی از رفرنس هایم در زمان یادگیری تئاتر و هنر نقدهای بزرگان بود و خواندن این نقدها به من نو آموز مثل یک کلاس آموزشی بسیار کمک می کرد. به نظرم نقد کارشناسانه اصلاً آسیبی به کارها نمی زند و بیشتر نقد غیر کارشناسانه و مغرضانه است که سر خوردگی ایجاد می کند. به عنوان یک هنرمند کوچک در جامعه هنری حرفم این است که از نقدی که به من چیزی را آموزش می دهد تا ابد ممنون خواهم بود چرا که در راستای پیشرفت من حرکتی کرده است. فکر می کنم که نباید به صورت کلی در مورد اثر هنری صحبت کرد چون اثر هنری با دیتیل و جزئیات ساخته شده و باید با دیتیل و جزئیات در مورد آن صحبت کرد. من نبود این اتفاق را در فضای تئاتری که در حال حاضر در آن فعالیت می کنم به صورت کاملاً مشهود می بینم که بسیار ناراحت کننده است.

